روزنامه شرق

هنر

یادبود هشتادمین زادروز استاد حبیب‌الله بدیعی — صفحه ۸

گفت‌وگو با «پیتر آبلینگر» موسیقیدان و هنرمند مفهومی اتریشی — صفحه ۹

گذری بر مدرسه هنر و معماری «باوهاوس» و تاثیر آن بر معماری مدرن — صفحه ۱۰

عکس: امیر جدیدی، شرق

گفت‌وگو با مهناز افشار بازیگر فیلم «برف روی کاج‌ها»:

باید بدانیم یا ندانیم؟

فرانک آرتا

مهنـاز افشـار، بـازی در سـینما را بـا فیلم «دوسـتان» به کارگردانی «علی‌شاه‌حاتمی» آغاز کرد و در فیلم «شور عشق» به کارگردانی «نادر مقدس» به شهرت رسید. فیلمی که در آن برهه زمانی، نظر منتقـدان را جلب نکرد و حتـی مورد عتـاب آنان واقع شـد و جایزه «زرشک زرین» بدترین فیلم از سوی انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران را دریافت کرد. جایزه‌ای که مخالفان زیادی داشت و اهدای آن در دوره‌های بعد دیگر تداوم پیدا نکرد. به هرجهت در فیلم‌های مختلفی بازی کرد؛ چه در فیلم‌های موسوم به «بدنه» و «بفروش» و چه در فیلم‌های کارگردانان صاحب‌نام سـینمای ایران. در هر صورت در سیر تحول و روبه‌رشد بازیگری‌اش، همیشه با انرژی و با انگیزه بوده است. نکته مهم در مورد او این است که همیشه درقبال کارهایش دلایل منطقی خود را دارد. تفاوتی میان فیلم‌های پرفروش و هنری نمی‌بیند و اعتقاد دارد که بازیگر موظف اسـت سـر صحنه نقش خود را درست ایفا کند و به نظم در کار اهمیت می‌دهد. او دوران کاری‌اش را به قبل از بازی در فیلم «سالاد فصل» و بعد از آن تقسیم می‌کند و فریدون جیرانی، کارگردان مورد علاقه اوست. مهناز افشار تاکنون برای بازی در فیلم «سعادت‌آباد»، سیمرغ بلورین «بهترین بازیگر نقش مکمل زن» از بیست‌ونهمین جشنواره فیلم فجر دریافت کرده و همین‌طور برای ایفای نقش در فیلم «برف روی کاج‌ها» شایسته دریافت جایزه «دیپلم افتخار بهترین بازیگر زن» بخش نگاه نو سـی‌امین جشنواره فیلم فجر شد. همچنین در دومین جشنواره مطبوعات سینمایی انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران، دیپلم افتخار بازیگری زن به مهناز اقشار برای بازی درفیلم «طبقه سوم» تعلق گرفت. لوح حافظ «جشن دنیای تصویر» برای فیلم «طبقه سوم» دیگر جایزه‌ای است که این بازیگر شناخته‌شده سـینما در کارنامه هنری خود دارد. سال گذشته نیز لوح بهترین بازیگر نقش اول زن جشن انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی را برای فیلم «برف روی کاج‌ها» دریافت کرد که به قول خودش بهترین جایزه‌ای اسـت که تاکنون گرفته است. اکران فیلم «برف روی کاج‌ها» به کارگردانی پیمان معادی فرصتی فراهم کرد که با مهناز افشـار درباره ایفای نقش «رویا» در این فیلم و نگاهش به بازیگری درسـینما گفت‌وگو کنیم.

بعد از دو سال پرفراز و نشیب، بالاخره فیلم «برف روی کاج‌ها» اکران شد. به نظر می‌رسد با بازی در این فیلم فرصت مهمی دراختیارتان قرار گرفت که توانایی‌هایتان در دنیای بی‌انتهای بازیگری را به نمایش بگذارید و با مهناز افشار همیشگی فاصله بگیرید. فکر می‌کنید علت این موفقیت چیست؟

فکر می‌کنم در وهله نخست کمک خداوندگار بود که باعث شد در این مسیر موفق شوم. ضمن اینکه تجربه ۱۰سال و اندی کارکردن درسینما فرصتی برایم فراهم کرد که نقش‌های مهمی مثل رویا را بازی کنم. هنگام کار هم فیلمنامه خوب و راهنمایی‌های درست و راهگشای پیمان معادی و همین‌طور همکاری و همراهی بازیگران مقابلم و سایر عوامل فیلم باعث شد به نتیجه دلخواه برسم. البته باید بگویم همیشه تشویق مخاطبان هنگام دیدن فیلم‌هایم و چه بعد از آن پشـتوانه‌ای بوده و هسـت تا بتوانم کارم را ادامه دهم و با مشکلات پیش‌رویم کنار بیایم. هرچند همان‌طور که می‌دانید فیلم «برف روی کاج‌ها» با سوءتفاهماتی مواجه شد و با اینکه فیلم منتخب تماشاگران جشنواره بود ولی متاسفانه شرایطی پیش آمد که فیلم از طرف حوزه هنری و برخی ارگان‌ها تحریم شد و مخاطبان فرصت پیدا نکردند که به‌دور از هیاهو با فیلم ارتباط برقرار کنند. چون معتقدم آنقدر تماشـاگران ما باهوش هستند که تشخیص‌دهند که چه فیلمی ارزشمدار و چه فیلمی ضدارزش است.

مخالفان محتوایی «برف روی کاج‌ها»، ایراد فیلم را اشـاعه مسایل غیراخلاقی می‌داننـد و تاکید می‌کنند که فیلم روی موضوع خیانت صحه می‌گذارد. با توجه به اینکه شـما همیشـه به دیدگاه طیف‌های مختلف مخاطبان فیلم در سینما احترام می‌گذارید، در این مورد نظرتان چیست؟

این مسـاله از اساس نادرسـت و تلقی غیرمنصفانه‌ای از فیلم است. من با قاطعیت می‌گویم نه‌تنها فیلم روی مسـاله خیانت صحه نمی‌گذارد، بلکه تمام عوامل فیلم؛ چه مقابل دوربین و چه پشت دوربین به کانون خانواده علاقه‌مندند. آقای پیمان معادی واقعا اهل خانواده است. به غیر از کارگردان، سایر عوامل فیلم زندگی خانوادگی دارند و من هم در چنین خانواده‌ای بزرگ شدم که پایبند ارزش‌هاست و خودم هم به اخلاقیات معتقدم. این بی‌انصافی است که اتهام بی‌اخلاقی به این فیلم زده شود.

به نظر می‌رسد فرهنگ تصویری‌مان با وجودی که روی این هنر -صنعت- رسانه تاکید می‌شـود، لاغر و کم‌مایه اسـت. چون عادت کرده‌ایم سینما را فقط در محتوا خلاصه کنیم. ضعف در شـناخت فیلم و سینما بدون در نظر گرفتن فرم و ساختار، ملغمه‌ای سـاخته که دایما در مورد فیلم‌ها دچار سوءتفاهم می‌شویم. درست است که سوژه فیلم درباره خیانت است اما خیانت لایه سطحی و اولیه آن است. لایه‌های عمیق‌تر فیلم کمتر دیده شـده. دروغ و پنهان‌کاری شالوده روابط آدم‌ها را تشکیل داده. به این معنا که با وجود معصومیت ذاتی رویا، «دروغ‌های مصلحت‌آمیز» می‌گوید و همه چنین عمل می‌کنند. نظرتان چیست؟

کاملا به نکته درستی اشاره کردید. فیلم لایه‌های عمیق‌تری هم دارد و بدون اینکه بخواهد تاکید غلوآمیز داشته باشد، به خیلی از مسایل به‌سادگی اشاره می‌کند. در حالی که همین جزئیات ساده، به‌شدت روی روابط زن و مرد تاثیر می‌گذارد اما اینکه گفتید رویا هم دروغ مصلحت‌آمیز می‌گوید معتقدم که او بیشتر ماخوذ به حیاست تا اینکه بخواهد از روی قصد دروغ بگوید.

به هرشـکل دروغ، دروغ اسـت. مثـلا رویا بعد از مواجهه‌اش با بحران جلسـه شاگردش را تعطیل می‌کند و دلیلش را پشت تلفن تعمیرات خانه ذکر می‌کند. درست است که مخاطب معنای انضمامی آن جمله را برداشت می‌کند. چون ذهنیت و دیدگاه رویا به زندگی زناشـویی‌اش به تغییرات اساسی احتیاج دارد ولی همین مساله هم تاکید می‌کند که ما با آدم‌های پیرامونمان بیش از اینکه با زبان آشکار صحبت کنیم با زبان ایما و اشاره سخن می‌گوییم که با وجود خاصه قلبی‌مان، نتیجه‌اش پنهان‌کاری می‌شود. چقدر روی این مسایل در خلق شخصیت رویا تاکید می‌کردید؟

قبل از هر چیز باید بگویم که خلق شخصیت رویا خیلی آسان نبود. من روزهای اول دورخوانی و اتود زدن خیلی تلاش کردیم که رویا خلق شود. ولی به آقای معادی گفتم که هرکاری می‌کنم رویا درنمی‌آید و به‌اصطلاح نمی‌شود. در این مدت پیمان معادی من را رها گذاشت و دیگر با من کاری نداشت تا خودم به شکل طبیعی به رویا برسم. با خودم دیالوگ‌ها را زمزمه می‌کردم، سعی می‌کردم احساس رویا را برای خودم حلاجی کنم...

و مهم‌تر از همه اینکه حرکات دست و انگشتان را حذف کنید تا دیگر آن شور و حال همیشگی را نداشته باشید و آرام‌تر صحبت کنید...

کاملا. بعد از مدت کوتاهی احساس کردم باید ستون فقراتم را حالت انحنا بدهم و خمیده کنم. شـکمم را بیرون بیاورم و کلا راه رفتنم را تغییر دهم. آرام‌تر حرکت کنم. ضمن اینکه صدایم را زنگ‌دار کردم تا یک مقدار متمایز شوم. وقتی این کارها را انجام دادم احساس کردم کم‌کم رویا در درونم دارد خلق می‌شود. با همین ذهنیت و حالت، دیالوگ‌هایم را گفتم که مقابل پیمان معادی بیان کردم. ناگهان برقی در چشمان آقای معادی درخشید و حس کردم که او هم با رویای خلق شده موافق است. خوشبختانه رویای موردنظرمان خلق شد. دیگر برای بازی در هر پلان برای خودم کدگذاری کردم. سعی کردم رویا را از ناخودآگاه به خودآگاهم بیاورم. او زنی است که با باورهای خودش زندگی می‌کند و اصولی دارد که در تمام مدت زندگی زناشـویی‌اش به آن پایبند بوده است.

هنگام نگارش فیلمنامه در جریان نوشته شدن نقش رویا بودید؟

این فیلمنامه سال‌ها قبل نوشته شده بود و همان‌موقع آقای معادی می‌خواستند این فیلم را بسازند.

یعنی بعد از زمان همکاری پیمان معادی با آقای فرهادی بود؟

بلـه. آقـای معادی بعد از بازی در فیلم «درباره الی» تصمیم به سـاخت این فیلم گرفتند

که البته قرار هم بود در فیلم «درباره الی» بازی کنید که نشد؟

بله. منتهـا چون الان صحبت آن پیش آمد می‌خواهم به نکته‌ای اشـاره کنم که قسمت نشد در فیلم «درباره الی» بازی کنم. منتها به خاطر این جمله آنقدر حرف‌های حاشـیه‌ای و نامربوط به نقل از من مطرح شـد درحالی که روحم از آن خبر نداشت. متاسفانه نتوانستم در این فیلم بازی کنم. اما وقتی فیلم را دیدم از بودن آن همه همکار عزیز و نتیجه درخشان و از اینکه قسمت نشد در آن کار باشم عبور کردم ولی در دنیای سینما چنین مسایلی پیش می‌آید و مساله‌ای پیچیده نیست. به هرجهت همان‌موقع قرار شد فیلم ساخته شود. وقتی فیلمنامه را خواندم، آنقدر درگیر شخصیت و داستان شدم که ناخودآگاه متاثر شدم و گریه کردم. به پیمان معادی پیشنهاد دادم که دوست دارم نقش رویا را بازی کنم. چون من با همسـر آقای معادی دوست هستم و با ایشان رفت‌وآمد خانوادگی داریم. ولی در نهایت فیلم آن زمان ساخته نشد و من هم سر صحنه فیلم دیگری مشغول کار شدم. تا اینکه زمان ساخت این فیلمنامه رسید و آقای معادی با من تماس گرفتند و گفتند که بالاخره قسمت توست که نقش رویا را بازی کنی.

> **فقط باید بگویم دریافتی که رویا دارد به معنای بی‌بندوباری نیست و قضاوت غیرمنصفانه‌ای است که بگوییم آرایش او مقابل آینه به خاطر خطاکاری اوست. او به هیچ عنوان به شوهرش خیانت نکرده بلکه می‌خواهد بداند در کجای زندگی قرارگرفته. او درواقع در مسیر زندگی‌اش به تعالی می‌رسد. کما اینکه در پایان فیلم وقتی با علی مواجه می‌شود به او همه واقعیت درباره نریمان را توضیح می‌دهد**

رویا در فیلم با اینکه ازدواج کرده، انگار مجرد است و اصلا احساسات شوهرش را درک نمی‌کند. به‌عنوان نمونه درفیلم تنها یک صحنه شام دو نفره از او و همسرش علـی وجود دارد که بعد از اینکه با هم شـام می‌خورنـد، رویا به علی می‌گوید من می‌روم بخوابم، چون خسـته‌ام. درحالی که در بازی علی (حسن پاکدل) می‌بینیم که می‌خواهد چیزی را به رویا بگوید و در گفتن مردد است، ولی رویا گوش شنوایی ندارد و به‌اصطلاح اصلا دراین دنیا سیر نمی‌کند!

شـما فیلم را خیلی خوب دیدید. کاملا درست اسـت. رویا تا آن زمان به آن درک نرسـیده بود که متوجه شود غیراز کارهای خانه‌داری، غذا درست کردن و پیانو درس دادن، شوهرش احساسات و خواسته‌های دیگری هم دارد. فکر می‌کرد حالا شام درست کرده و همراه همسـرش غذا خورده، همه وظایف خود را انجام داده اسـت. ولی وقتی مساله جدایی شوهرش مطرح می‌شود و زنی دیگر وارد زندگی او می‌شود به او تلنگری می‌خورد که زندگی ابعاد دیگری هم دارد و آدم‌ها خیلی عمیق‌تر از این حرف‌ها هستند. او اصلا فکر نمی‌کرد که بهترین شاگردش با شوهرش در ارتباط باشد. وقتی با نامزد نسیم مواجه می‌شود می‌فهمد که خیلی راحت با مسایل پیرامون خودش مواجه شده است.

در فیلم رویا دوبار خود را مقابل آینه می‌بینید. بار اول تقریبا اوایل فیلم است که با دیدن خودش انگار سوالی برایش پیش می‌آید ولی دیگر پیگیری نمی‌کند و اتفاقی نمی‌افتد. ولی بار دوم که مقابل آینه می‌نشیند و مشغول آرایش می‌شود تا با نریمان (با بازی صابر ابر) به کنسرت موسیقی برود، انگار خودش را تازه کشف کرده و به نوعی بلوغ و خودآگاهی می‌رسد.

خب برای اینکه با ورود کسی دیگر به زندگی‌اش متوجه مسایلی می‌شود که تاکنون به آن فکر نکرده بود و انگار تازه دارد نسبت به خودش آگاهی پیدا می‌کند. فقط باید بگویم دریافتی که رویا دارد به معنای بی‌بندوباری نیست و قضاوت غیرمنصفانه‌ای است که بگوییم آرایش او مقابل آینه به خاطر خطاکاری اوست. او به هیچ عنوان به شوهرش خیانـت نکرده. بلکه می‌خواهد بداند در کجای زندگی قرارگرفته. او درواقع در مسـیر زندگی‌اش به تعالی می‌رسد. کما اینکه در پایان فیلم وقتی با علی مواجه می‌شود به او همه واقعیت درباره نریمان را توضیح می‌دهد. می‌گوید یک حس جدید را درک کردم و دوست دارم تو هم بدانی؛ و درنهایت در کنار شوهرش می‌ماند. حتی اگر توجه کرده باشید پس از پایان کنسرت با مریم (ویشکا آسایش) مواجه می‌شود و می‌گوید تو نباید به من می‌گفتی که شوهرم را با نسیم در خیابان دیدی؟ و سوال مهم‌تر را مطرح می‌کند که باید بالاخره بدانم یا ندانم که شـوهرم چه کرده. از مریم می‌پرسد اگر تو جای من بودی نمی‌خواستی همه موضوع را بدانی.

درنهایت فیلم هم همین سوال را مطرح می‌کند؟

بله. پرسش اساسی فیلم هم همین است که بالاخره در روابط میان زن و مرد و کلا آدم‌ها همه مسایل را باید بدانیم یا ندانیم. آیا پنهان‌کاری درست است یا نه؟

پلانی داریم که رویا در سالن اجرای کنسرت کنار نریمان نشسته، کلوزآپ رویا یادآور بازی نیکول کیدمن با همین قاب در فیلم «تولد» بود که فوق‌العاده بازی کرد. در نماهای کلوزآپ بازی‌کردن سخت است. درآن نما چه کردید؟

بله. اشاره درستی کردید. من خودم آن فیلم و بازی نیکول کیدمن را خیلی دوست دارم. نماهای این‌چنینی برای بازی کردن سخت است. تنها چیزی که سعی کردم به یاد بیاورم تشویش و درهم پیچیدگی بود که در زندگی رویا وجود داشت. یعنی آنقدر مسایل برایش پیچیده بود که نمی‌توانست به تصمیم ثابت و دقیقی برسد. در بازی‌ام سعی کردم تمام اتفاقات را در ذهنم مرور کنم.

اصلا آن نما چگونه شکل گرفت؟

خب موقع تمرین و هنگام فیلمبرداری دوسـت داشتم از طریق خود موسیقی به آن حس برسم که موسیقی آقای «سالار عقیلی» را همزمان سرصحنه گذاشتیم. منتها نتیجه آنقدر رضایت‌بخش بود که به پیشنهاد پیمان معادی گفتیم که این موسیقی در فیلم هم باشد. موضوع را با آقای عقیلی درمیان گذاشتم تا صدای ایشان در فیلم باشد. گفتند که باید فیلم را ببینم که در نهایت فیلم را دیدند و اتفاقا از فیلم خوششان آمد؛ و درنهایت درفیلم هم می‌بینید که صدای «سالار عقیلی» چقدر در فیلم نشسته است.

با اینکه بازیگر حسی هستید، چقدر امکان تکرار نماها برای شما در فیلم وجود داشت؟

بله. من آنقدر حسی کار می‌کنم که همیشه درخواست می‌کنم در همان پلان اول نماهایم را بگیرند و اگر خیلی تلاش کنم که حسم را نگه دارم، در نهایت در برداشت دوم به نتیجه می‌رسم. به همین دلیل در این فیلم بیشتر نماهایمان پلان – سکانس بود.

در مورد سیاه‌وسفید بودن فیلم نظر خاصی نداشتید؟

خب دوربین فیلمبرداری همان بود و برای من بازیگر فرقی نمی‌کرد. البته پاسـخ دقیق‌تر این سوال را بهتر است آقای معادی بدهند. ولی اگر بخواهم نظر خودم را بگویم این است که چون هیچ چیز زندگی آدم‌های این فیلم سیاه یا سفید مطلق نیست، به همین دلیل خاکستری نشان دادن فضای فیلم، پیام قصه را بهتر منتقل می‌کند.

دیپلـم افتخار بهترین بازیگر بخش نگاه نو سـی‌امین جشـنواره فیلم فجر را برای بازی در این فیلم دریافت کردید. کلا به‌جای سیمرغی که برای بازی در فیلم «سعادت‌آباد» گرفتید، دوست داشتید برای این فیلم هم سیمرغ می‌گرفتید؟

به هرشـکل جایزه همیشـه آدم را خوشحال می‌کند. اما حیفم آمد که درآن سال «برف روی کاج‌ها» فقط در بخش نوعی نگاه شرکت کرد و دربخش‌های دیگر حضور نداشـت. ضمن اینکه فقط درآن بخش دیپلم افتخار می‌دادند. در هر صورت به جایی رسـیدم که سـیمرغ و دیپلم برایم فرقی نمی‌کند. مهم این بود که بازی‌ام دیده شد. اما بهترین جایزه‌ای را که دریافت کردم، همین جایزه انجمن منتقدان و نویسـندگان سـینمایی بود. ولی با این حال عاشـقانه این مسـیر را ادامه می‌دهم و سعی می‌کنم انتخاب‌های درستی داشته باشم.

از این به بعد ادامه فعالیت‌تان درسینما چگونه خواهد بود؟

چون برخی جاها از قول من اعلام کردندکه مهناز افشار از دنیای سینما خداحافظی کرده که اصلا درست نیست، من اگر بخواهم خداحافظی کنم بیانیه نمی‌دهم. می‌روم جایی و گم می‌شـوم تا کسی نتواند پیدایم کند! ضمن اینکه الان انتخاب کردن برایم سخت شده که خیلی نمی‌توانم پرکار باشم. ولی با این حال سینما حرفه و عشق من است و سعی می‌کنم ازاین به بعد دقیق‌تر انتخاب کنم.

نظرتان درباره سخنان آقای سلحشور درباره بازیگران سینمای ایران چیست؟

من نظر اصلی‌ام را دربرنامه هفت اعلام کردم و گفتم چقدر خوب است، اگر نسبت به هم نقدی داریم با احترام صحبت کنیم. حتی اگر یک جاهایی هم نقدی درست است، با احترام گوش دهیم. ولی ضمن احترام به آفرینش و خلق ایشان به عنوان یک مخلوق، در کل حرف‌های آقای سلحشور را خیلی جدی نمی‌گیرم.

شما جزو آن بازیگران که از ایشان شکایت کردند نیستید؟

نه نیستم. ولی پشت همکارانم درمقابل هر بی‌احترامی خواهم ایستاد.

اگر حرف نگفته‌ای دارید، بگویید.

چون برای آموزش و نقش آن در ارتقای سـطح بازیگری اهمیت قایلم و خوشحال هستم که شاگرد استاد «حمید سمندریان» بوده‌ام، باید بگویم مدت دو سال است که کار تئاتر انجام می‌دهم و فکر می‌کنم تمرینات تئاتری در پرورش بازیگر موثر است. به همین دلیل معتقدم حرف‌های استاد «بهزاد فراهانی» که دربرنامه «هفت» درباره ورود بازیگران سینما به عرصه تئاتر بود، درست بود. ولی یک‌کم دور از انصاف بود. آخر همه ما کارمان نمایش است و مگر می‌شود یک بازیگر بازی درسینما و تئاتر را از هم جدا کند. من خوشـحالم که می‌توانم در کنار بازیگران تئاتر حضور پیدا کنم و یاد بگیرم. ضمن اینکه درگذشت همکار عزیزم خانم «عسل بدیعی» را به خانواده محترم و جامعه هنری تسلیت عرض می‌کنم. ودر آخر هم آرزو می‌کنم که مخاطبان فیلم «برف روی کاج‌ها» ارتباط خوبی با فیلم برقرار کنند.

کلوزآپ

یادداشتی درباره مهناز افشار

بازیگر شدن

کیانا آذر

مهنازافشـار مسـیر بازیگری را از سینمای موسـوم به «بدنه» آغاز کرد. در اوایل کار به دلیل شباهت چهره‌اش به یکی از خوانندگان مشهور پیش از انقلاب، حاشـیه‌هایی برایش درست شـد که خیلی به بازیگـری ربط پیدا نمی‌کرد و او هم همیشه سعی داشت از این مساله فاصله بگیرد. مهناز افشار برای رسیدن به مسیر «بازیگر شدن» چنـدان راه سـاده‌ای را طـی نکـرد. درابتدای کار هنری‌اش نقدهای زیادی درباره حضـورش در سـینما مطرح می‌شد.«شور عشـق» فیلمی بود که او را به شـهرت رساند، ولی موردتوجه منتقدان واقع نشـد. از این به بعد در تعدادی فیلم‌های «بفروش» بازی کرد. تا اینکه درسال ۱۳۸۳ درفیلم «سالاد فصل» به کارگردانی فریدون جیرانی ایفای نقش کرد و تازه توجه منتقدان به او به عنوان بازیگر خوش‌قریحه که صاحب توانایی است جلب شد. بعد از آن در فیلم «چه کسی امیر را کشت»، یکـی از بهترین نقش‌های خود را ایفا کرد. مهناز افشـار از جمله بازیگرانی است که تا امروز توانسته هم بر فروش فیلم‌ها تاثیر بگذارد و هم در فیلم‌هایی

منطبق بـا معیارهای هنـری حضور متفاوتی داشته باشد. فیلم «برف روی کاج‌ها» با بازی در نقـش «رویا» این روزها در سـینماها اکران شده است و بدون‌شـک مهناز افشار با بازی روان و درونی‌اش، سـتاره اول این فیلم است. فیلمی که در میان فیلم‌های بی‌محتوا و بدون انگیزه که این روزها متاسفانه رونق فراوانی دارنـد، حرف‌هایی برای گفتـن دارد و توانسـته مسـاله مهم تحکیم بنیان خانواده را با زبان سینما به تصویر بکشد. برای ترسیم شخصیت رویا بایـد او از بازی اغلب جاافتاده‌اش دوری می‌کرد. افشار در اغلب کارهایش حضوری پرشـور و پرتحـرک دارد و اصولا حـرکات دسـت و بدنش زیاد است در حالی که نقش رویا هیچ‌کدام از ایـن حرکات را نمی‌طلبید. در خود فرو رفتن و بازی با چشمان عناصری بود که شـخصیت رویا را می‌ساختند. رویا با طمانینه راه می‌رفت و آهسـته سـخن می‌گفت و همه این موارد در بازی مهناز افشـار وجود دارد. رسیدن از خودآگاهی به آگاهی کد اصلی این شـخصیت بود که باید بعد از ترسیم شـخصیت از برون بـه درون راه یابد. از سوی دیگر تعامل شخصیت علی و نریمان با رویا نیاز به همکاری دوسویه داشـت که صابر ابر و حسـین پاکدل در مواجهـه با مهناز افشـار این پازل را تکمیـل کردند. مهناز افشـار امروز می‌تواند سرش را باافتخار بالا بگیرد که توانسته از همه موانع و مشکلات عبور کند و به‌عنوان بازیگر مطرح که جایگاه شایسـته پیدا کرده بـه حیات هنری خود ادامه دهد. منتها باید از این به بعد هوشیارانه عمل کند و برای حفظ این جایگاه مراقب باشد.

لانگ‌شات

پشت شیشه برف می‌بارد*

سحر عصرآزاد

نمی‌دانم چقدر این تجربه شـخصی را باور دارید که تعبیر برف در خواب، غم و ناراحتی در واقعیت است. اگر باور ندارید حتما می‌پذیرید که برف پیش از آنکه نماد پاکی، معصومیت و آرامش باشـد - که هسـت- حسی غمناک، حسی از فرورفتن در رکود، یخزدگی و رخوتی ناخوشایند را به همراه دارد. اشعار شاعران بـزرگ با محوریت برف گواهی اسـت بر این حس مشـترک و البته فیلم‌های متعـددی کـه انتخاب این فصل نقشـی تعیین‌کننـده در حس‌وحال قصه یا شخصیت‌هایشان در راستای همین حس و حال دارد. اگر هم هیچ‌کدام از اینها را نمی‌پذیرید، آدم‌های خوشـبختی در زمستان هستید! «برف روی کاج‌ها» از همان آغاز و مواجهه با اسم فیلم، به واسطه همین پیشینه، حس و حال خاصی ایجاد می‌کند که در ادامه کلیت روند فیلم می‌تواند پاسخ مناسبی به این حس و انتظار ایجاد شـده بدهد. فیلم داسـتان رکودی است که زندگی زوج محوری بعد از ۱۳سال دچارش شده و با یک رفتار عام این رکود خود را نشان می‌دهد؛ خیانت علی به رویا. هرچند این رفتار ناخوشایند واکنشی است به رابطه‌ای که درست پیش‌نمی‌رود، رابطه‌ای در سراشیبی سقوط، رابطه‌ای ناکافی حداقل برای یک طرف ماجرا (علی) که به شکلی عام، کلیشه‌ای و تکراری شده – همان‌طور که در روابط اجتماعی واقعی از گذشته تا حال و آینده در جغرافیاهای مختلف اتفاق افتاده، می‌افتد و خواهد افتاد - اما تلاش شده با شخصیت‌پردازی ظریف کاراکترها، ویژه‌کردن آنها از آدم‌های متداول و تکراری و انگیزه‌هایشان به نوعی این رفتار بر بستری جدید، وجوهی متفاوت و خاص پیدا کند. رویا و علی زوجی هستند با اختلاف سنی که این ویژگی در فیزیک ظاهری آنها نمود باورپذیری پیدا کرده بدون آنکه به آن تاکید شود. در عین حال که این تصویر می‌تواند کدی باشد از نوع نگاه و رفتارشناسی علی، تا گرایش و رابطه او با شاگرد کلاس پیانوی رویا (نسیم) را باورپذیر جلوه دهد. علاوه بر این در سکانس مهم و تعیین‌کننده ابتدایی نیز یک کد کاربردی در ارتباط با علی ارایه می‌شـود که در عین واقعی بودن این رفتار در موقعیت چیده شده ابتدایی، پس از بروز بحران در رابطه رویا و علی هم می‌تواند کلیدی باشد. در این سکانس که زوج برای خرید در هایپراستار هسـتند و قرار است رویا و علی معرفی شده و تصویر اولیه‌ای از رابطه آنها ارایه شـود، علی با دیدن زنی از آشنایان که مردی غریبه همراهش است، درباره آنها حدس‌هایی می‌زند. چند لحظه بعد که زن کنار آنها می‌آید و برادرش را به رویا و علی معرفی می‌کند، حدس‌های غلط علی هم رنگ می‌بازند. اما با همین قضاوت زودهنگام کدی مهم درباره این شخصیت داده می‌شود که وقتی رابطه نامعقولش با نسیم برملا می‌شود، این کد کاشته شده به مرحله برداشت می‌رسد. مردی که طبیعتا دیگران را با ذهنیت خود (چه خوب و چه بد) قضاوت می‌کند و واکنش زودهنگامش به این ماجرای کوچک گواهی است بر حساسیت‌های او نسبت به موقعیت و رابطه‌ای که درگیرش شده است. با چنین کدهای موجز و کاربردی اسـت که شـخصیت علی و رابطه‌اش با رویا و نسیم به شکلی باورپذیر ترسیم می‌شوند هرچند این کاراکتر در بخش عمده‌ای از فیلم حضور فیزیکی ندارد و در واقع تبعات غیبت و رفتارهای علی در زندگی رویا برجسته شده و این مقطع حساس از زندگی زن مورد بزرگنمایی قرار می‌گیرد. زنی که معلم پیانوست و به نوعی با حس و حال‌های خاصی به عنوان یک هنرمند یا اهل هنر سروکار دارد که در رویا منجر به درونگرا شدن او شده است. زنی که با وجود اختلاف سنی با علی به نظر می‌آید زودتر از او و الزامات سن خودش، دچار رخوت و بی‌حس و حالی از زندگی زناشویی شده و نداشتن بچه هم می‌تواند ریشه در همین بحران درونی زندگی‌شـان داشته باشـد، هرچند رویا می‌گوید اوایل زندگی خودش آمادگی نداشـته و حالا هم علی میلی به آن ندارد. در همان سکانس اول در هایپراستار هم واکنش رویا به حدس و گمان‌های علی نوعی سـردی و بی‌واکنشی را در او نهادینه می‌کند که انگار هیچ چیز نمی‌تواند او را متعجب یا هیجان‌زده کند. این حس و حال درونگرایی که نوعی آرام بودن (نه آرامش) و کندی بیرونی به رویا داده یک ویژگی متمایزکننده برای این زن هم در شـکل واقعی اسـت، هم در بین کاراکترهای نمایشی. زنی که وقتی در موقعیت خیانت‌دیدگی قرار می‌گیرد، همچنان آرام است و دست به رفتاری متداول و قابل‌انتظار نمی‌زند اما می‌توان این خرد شدن تدریجی را در تغییر تدریجی ظاهر و واکنش‌هایش به‌شیوه‌ای متفاوت دنبال کرد. رویا به ملاقات پرهام؛ دوست نسیم می‌رود و وقتی شکش تبدیل به یقین می‌شود که نسیم با شوهرش رابطه داشته و با هم به سفر خارج رفته‌اند، شروع به جست‌وجوی نشانه‌های قبلی این رابطه در زندگی و اطرافش می‌کند. اینجاست که این کنکاش منجر به دیدن چهره واقعی زندگی فروپاشیده‌شان و رابطه‌اش با علی می‌شود. رابطه‌ای که حتی دوست دندانپزشک علی از جزییات آن خبر داشته ولی رویا غافل بوده است. در اشل زنی مثل رویا واکنشی مثل دور انداختن لیوان لب‌پری که نسیم در آن چای خورده، پاک کردن دکمه‌های پیانو از آثار انگشت نسیم- در اشل وسیع‌تر آثار او از زندگی‌اش - و نهایتا تصمیمش برای جدایـی، معادلی درونی و باورپذیر برای رفتارهای عام و آشـنای زنان در موقعیت‌های این‌چنینی است. رفتاری که به‌واسطه پایه‌گذاری متفاوت شخصیت رویا و جزییات شخصیت‌پردازانه‌اش می‌تواند این زن را از کلیشه زنان خیانت‌دیده جدا کرده و همان درونگرایی و رخوت شـخصی را به رفتارهای انتحاری‌اش نیز تسری دهد. با حضور چنین شخصیت‌هایی در دو سر رابطه‌ای که دچار مشکلی کلیشـه‌ای شـده، طبعا آنچه اهمیت پیدا می‌کند، واکنش‌های بعدی است که می‌تواند ویژگی‌های شـخصیت‌پردازانه آنها را نهادینه کند. رویا پس از جدایی تصمیم می‌گیرد از فضای سرد و انزوایش خارج شود و با گرمای یک رابطه عاطفی تازه‌یافته خود را محک بزند؛ آیا خاکستر آتش درونی‌اش دوباره شعله‌ور خواهد شـد یا باید برای همیشـه با این بخش خود خداحافظی کند؟ در واقع تصمیم جسورانه‌ای که این شخصیت در عین بی‌ادعا بودن به‌عنوان واکنشی بر شکست در زندگی گذشـته‌اش می‌گیرد، بدون آنکه سرکوب‌شدگی زن را فریاد بزند، به شکلی نمادین این خدشه‌دار شدن را در یاد نگه می‌دارد. جسارتی که وقتی علی مغلوب و پشیمان - باز هم برخلاف کلیشه مردان خیانت‌کرده- یک فرصت تازه برای ادامه زندگی‌شـان از رویا می‌خواهـد، زن را وامی‌دارد به حس‌وحالی که از کنسرت رفتن با نریمان داشته اشاره کند و از سرگرفتن دوباره رابطه‌اش را با علی در پرده‌ای از ابهام قرار دهد.

*** بخشی از شعر «اندوه تنهایی» سروده فروغ فرخزاد.**